تپه های باستانی سنگ چخماق

میرآقایی، سید هادی

کاوش‏های باستانشناسانه درایران، همواره با شواهدی مبنی بر قدمت و دیرینگی تمدن و شهرنشینی درکشورمان قرین بوده‏است. هنوز دقیقا مشخص نیست که دیرینگی تمدن در پهنه فلات ایران به چند هزاره قبل از میلاد مسیح می‏رسد. گرچه یافته‏های جدید، گاه این زمان را به 9 تا 10 هزار سال می‏رساند.

تپه باستانی سنگ چخماق درمنطقه بسطام، یکی از مناطقی است که از سال 1348 توسط پروفسور ماسواد، مورد شناسایی قرار گرفت و درسال‏های 1349 و 1350 حفاری گردید و اشیاء و ابزارهایی مربوط به دوران نوسنگی از آنجا به دست آمد؛ اشیایی که قدمت آنها به 7300 سال پیش می‏رسد.

یافته‏های جدید نشان می‏دهند که این محل، احتمالا یکی از نخستین مناطق مسکونی در فلات مرکزی ایران بوده‏است. پیداشدن ماکت سفالی، مشبک یک خانه و این اظهارنظر که بسیاری از ساکنین و حتی نقاطی دورتر از آن، سالی یک بار به جهت طواف خانه مشبک کوچک گلی، به این مکان می‏آمدند. و نیز اظهارنظر پرفسور ماسودا، مبنی بر این که وجود اجاق‏هایی درقسمت غربی تپه، نشان می‏دهد که آتش نه تنها برای طبخ غذا یا تولید گرما، بلکه به منظور خاصی- مثلا کارکرد مذهبی- روشن می‏شده، می‏تواند دلیلی بر تقدس و احترام آتش در نزد ایرانیان، آن هم در 7800 سال پیش باشد.

در اثر حاضر، نخست مقاله کوتاه میرآقایی و سپس ترجمه فارسی گزارش پرفسور ماسودا، درباره ویژگی‏های باستان‏شناسانه منطقه و نیز برخی نظریات او در مورد یافته‏هایش را می‏خوانیم:

تپه باستانی سنگ چخماق درمنطقه بسطام - یکی از توابع شهرستان شاهرود واقع در استان سمنان، حدود ده هکتار مساحت دارد. این مجموعه از چند تپه تشکیل شده که از بین آنها، دوتپه در اواخر و اوایل دهه چهل و پنجاه حفاری شد.

پرفسور ماسودا از دانشگاه توکیو، این تپه را اولین بار درسال 1348(1969.م) شناسایی و درسال1349 (1971.م) و 1351(1973م.) در دو فصل حفاری کرد.

در تپه غربی، ضمن کشف پیکره‏های گلی انسان و حیوان- در فصل دوم کاوش- درسال 1351، چند قطعه سفال نیز از لایه 3 به دست آمد. ماسودا معتقد است: این تپه همزمان با طبقات سیلک اول و دوم است و احتمالا قدیم‏تر از تپه شرقی بوده و مربوط به دوران سفال در دوران نوسنگی است.(2) حسن رضوانی، که دوباره به بررسی این مکان پرداخته، نوشته‏است: «مدارک نشان می‏دهد که این محل، شاید یکی از نخستین مناطق مسکونی در فلات مرکزی بوده‏است و نزدیکی فرهنگی با اقوامی که در تپه سیلک، یا زاغه مستقر شده بودند، ندارد.»(3)

یک نمونه آزمایش کربن 14، قدمت آن را 5300 سال قبل از میلاد مسیح تعیین کرد. واحدهای ساختمانی دراین تپه، عموما شامل سه اتاق است که در ورودی آنها در طرف جنوبی قرار دارد و یکی از اتاق‏ها که بهتر باقی مانده، در حدود 60/2 متر عرض و 70/5 متر طول دارد. سطح دیوارها عموما با پوشش هموار شده و اثرات رنگ که از گل اخری تشکیل شده، بر روی آنها دیده می‏شود. هرکدام از این دیوارها، دارای پوشش‏های متعددی است و نشان می‏دهد که در دفعات مکرر، پوشش آن تجدید و تعمیر شده‏است. (4)

درحفاری تپه شرقی، تعداد سفال بیشتری به دست آمده که قرمزرنگ بوده و مشخصه آنها، خمیر خوب و نقش‏های ساده و هندسی قرمز، روی کاسه‏های گود است که به نظر ماسودا، به روش فتیله‏ای ساخته شده‏اند. قطر این کوره‏ها بین 80 سانتیمتر تا دومتر، متفاوت است. اطراف این کوره‏ها، انبوه خاکستر و زغال وجود داشت. اشکال ظروف، شامل کاسه، بشقاب و کاسه‏های گود و دیگ است. مجسمه‏های سنگی و گلی، ادوات و ابزاری مانند سوزن، درفش، کف‏گیر و آویزهایی که از جنس شاخ و استخوان ساخته شده و سر دوک‏هایی گلی وسنگی نیز، در ضمن حفاری به دست آمده‏است و ابزارهای سنگی، شامل خراش‏دهنده، تیغه داس، ادوات ریز و تبرها و شیشه‏های صیقل‏داده شده نیز، مشاهده گردید.

از زیباترین سفال‏های این تپه می‏توان به دو اثر بسیار ارزنده اشاره کرد که شامل: ماکت سفالی یک خانه و یک عدد ظرف کوزه‏ای شکل با نقوش ابتدایی طرح سبدی به رنگ سیاه روی زمینه قرمز است. (5)ماکت سفالی خانه با همت شریعت‏زاده، مولف کتاب «فرهنگ شاهرود» درجریان برگزاری سمینار شاهرودشناسی، از ژاپن به ایران برگردانده شد و اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‏شود.

وی در اهمیت این ماکت نوشته‏است: بسیاری از ساکنین منطقه و حتی از نقاط دورافتاده، سالی یک بار جهت طواف خانه مشبک کوچک گلی که با خاک سرخ تزیین شده‏بود، گرد می‏آمدند.(6)

انواع ابزار مفرغی و استخوانی متعلق به تپه سنگ چخماق، درموزه شاهرود نگهداری می‏شود.

گزارش بررسی‏های باستان‏شناسی در شاهرود 1975

از سال 1971م. تیم مشترک باستان‏شناسی ایران و ژاپن، دو فصل حفاری در شاهرود داشته‏اند در فصل حاضر (فصل سوم) مهمترین اهداف حفاری تپه سنگ چخماق در بسطام و پیمایش عمومی از شاهرود تا جاجرم در امتداد کوهپایه جنوبی رشته کوه البرز و نیز اطراف بیارجمند در 60 کیلومتری جنوب شرق شاهرود است. این بررسی‏ها از اگوست تا اکتبر 1975م. صورت گرفت.

در بسطام، دو محدوده یعنی مکان‏های شرقی و غربی تپه سنگ چخماق حفاری گردید. در فصل اول و دوم، سطوح سوم تا پنجم، مکان شرقی خاکبرداری شد. در این فصل، سطوح اول و دوم و ششم حفاری گردید، که از یافته‏های این سه فصل، می‏توان جنبه‏های چینه‏شناسی مکان شرقی- از سطح زمین تا خاک بکر- را معلوم کرد.

سفالینه‏های سطوح سوم و پنجم، قرمز رنگ بود؛ همانند آنچه در ترکمنستان یافت شده و جیتون نامیده می‏شود که با کاه پخته شده است.

از لایه ششم، یعنی عمق لایه این مکان، گونه‏های خیلی مختلفی، مانند: سفالینه‏های منقوش با طرح‏های هندسی (خطوط شکسته و موازی و...) یافت شد در این لایه نیز، سفالینه‏های جلایافته، رنگارنگ و سیاه از حفاری‏ها، به دست آمد. از بین ابزارهای متعدد سنگی و استخوانی که بازیافت شد، تیشه‏های سنگی جلا یافته، تیغه‏ها و درفش‏های چخماق، ریزدانه‏های ذوزنقه‏ای شکل، تیغه‏های داس، میخ، سوزن و ابزارهای استخوانی قاشقی شکل را می‏توان ذکر کرد. مارپیچهای دوکی، مربعی، گرد و اشیای به اصطلاح آرایشی ساخته شده از گل، از همان نوع یافت شده در سیلک و جیتون، در سطح زیرین این مکان یافت شد.

اگر در تعیین محل سازه‏ها در این لایه‏ها، موفقیتی حاصل نشد، از لایه‏های اول و دوم شواهدی از سفال‏های گلی (ساختار مدوری که احتمالا به عنوان انباری استفاده می‏شد.) و ساختمان‏های دارای اجاق یافت شد. اجاق در داخل دیوار ساخته شده بود و در مقابل آن، یک مهتابی و تور مانندی تعبیه شده بود، خانه‏ای در سطح اول با چنین اتاقی، احتمالا مکان پذیرایی بوده است. بنای دیگر در سطح اول که دارای اجاق بوده، نقشه پرکارتری داشت و مهتابی آن در مرکز خود، دارای دو پله بود. خشت‏های خام ممهور از همان نوع یافت شده در سیلک، در سطوح اول و دوم یافت شد ولی در سطوح عمیق‏تر، اثری از آنها نبود. همچنین از این سطوح گل خشک شده دارای اثرات کاه یافت شد، که احتمالا جزیی از مصالح سقف بوده است.

از تیشه‏های جلایافته سنگی، تیغه‏ها و درفش‏های چخماق و سنگهای آسیاب نیز، نمونه‏هایی یافت شد. استفاده قالب استخوان گاو در جعبه ابزار استخوانی سطوح اول و دوم، نکته قابل توجهی بود.

میله‏های حفاری ساخته شده از استخوان دنده گاو، نمونه قابل ذکری است اما در سطوح عمیق‏تر، مصالح اصلی تولید ابزار، استخوان گوزن و آهو بود.

از سطح دوم، طبق غله پوست‏کنی سفالی و سفال‏های منقوش با طرح‏های حیوانات یافت شد. این سفال‏های منقوش سطح دوم را می‏توان براساس طرز پخت در دو گروه و مقوله قرار داد: طرح‏های خمیری و نقاشی شده؛ یعنی یکی از انواع به اصطلاح جیتون، که با کاه پخته می‏شده و دیگری، نوع جدید سفال با ساختار خیلی ظریف‏تر و محکم‏تر. نوع جیتون در این سطح، زبر و خشن بوده و خود نقاشی‏های روی آن نیز، عاری از ظرافت است. این نوع، همه نشانه‏های زوال و مرحله پایانی توسعه خود را داشته و درواقع تحول از نوع قدیم به جدید، کاملا قابل تشخیص است. این نوع جدید سفالینه در لایه اول، بسیار فراوان‏تر از لایه دوم است. در بین سفالینه‏های منقوش سطح اول با نوع سفالینه‏های «اسماعیل‏آباد» مواجه شدیم و مقایسه این نوع با سفالینه‏های سیلک 2 معلوم می‏سازد که تقدم و تأخر زمانی موازی با دوره‏های اول و دوم تپه سنگ چخماق دارد.

اشیای مسی نیز که در سطوح اول و دوم یافت می‏شود دامنه قابل مقایسه‏ای از انواع را همچون سیلک 2 به نمایش می‏گذارد که از آن جمله میخ کوچکی که گل میخ داشته و نیز اشیای کوچک را که دارای سرهای برآمده در دو طرف بودند، می‏توان ذکر کرد.

اینها بیانگر تاریخ مرتبط لایه‏های فوقانی دو مکان است و همانگونه که پیش‏تر نیز گزارش شده است، سطوح تحتانی مکان شرقی به لحاظ تسلسل تاریخی مرتبط به دوره اول سیلک است. به عبارت دیگر، لایه‏های ششگانه مکان شرقی متناظر به سیلک 1 و 2 است.

در پیمایش عمومی در جاجرم حدود 90 کیلومتری غرب شاهرود، در امیریه 5 کیلومتری غرب بسطام و در خوریان، 15 کیلومتری جنوب شاهرود، سفالینه‏های قرمز رنگ ظریف و محکم (از همان نوع یافت شده در سطح اول مکان شرقی) یافت شد. می‏توان توزیع این مکان‏ها را در منطقه فوق، بازتابنده بسط فرهنگ تپه سنگ چخماق دانست در مکان غربی بناهای خشت خام و اشیای سنگی، استخوانی و گلی.

 (به عنوان مثال: تبر و رنده سنگی، چنبره‏ها و تیغه‏های چخماقی و شیشه معدنی، پیکره‏های گلی، هم از حیوانات و هم الهه‏ها...) یافت شد.

مقایسه این اشیاء با آنها که از مکان غربی یافت شد، تفاوت‏های زیادی نشان می‏دهند که از جمله، شیشه معدنی در مکان شرقی یافت نشد.

از پیکره‏های انسانی در مکان شرقی تلقی طبیعت گرایانه‏تری می‏شود.

اسکلت‏های انسانی یافت شده از سطح دوم مکان غربی در وضعیت خمیده‏ای دفن شده بود، درحالی که دفن در مکان شرقی در وضعیت درازکش و به پهلوی راست بود. اما مقایسه ماله‏های استخوانی مکان غربی با سطوح پنجم و ششم مکان شرقی، سنخ‏شناسی واحدی را عرضه می‏کنند. بدین ترتیب، می‏توان پیشنهاد کرد که اختلاف این دو مکان چندان زیاد نیست و شاید بتوان این چنین دریافت کرد، که هر دو مکان به یک مرحله از یک فرهنگ وابسته هستند.

در این فصل نیز، تنها تعداد کمی از قطعات سفالی یافت شد که برای بازسازی اشکال سفالی و تاریخ‏یابی آنها کافی نبود اما همچنان که گزارش شد تعیین کربن چهارده زغال چوب سطح سوم سمت غربی، تاریخ تقریبی 7800 سال قبل از نشان داد. احتمالا می‏توان بناهای سطح سوم و چهارم را نیز که کف گچ مالی شده آنها به رنگ قرمز نقاشی شده بود، به همین تاریخ نسبت داد. این بناها سازه‏های تختخواب مانند و نیز اجاق‏هایی دارند. لایه‏های خاکستر ریگ مانندی که در این اجاق‏ها به صورت یک شکل تجمع یافته، نشان می‏دهد که آتش نه برای طبخ غذا، یا تولید گرما بلکه به منظور خاصی مثلا با کارکرد مذهبی روشن می‏شده است.

همین نوع اجاق در مکان غربی و نیز تپه گپ در مرودشت یافت شده است.

اهمیت این اجاق را شاید بتوان با ملاحظه شعایر مذهبی آتش پرستی در آن دوره تاریخ ایران بهتر درک کرد. آتشکده ایرانی احتمالا ریشه در ماقبل تاریخ دارد. با ملاحظه نسبت فرهنگی بین دوره‏های ماقبل و بعد و تاریخی، فرهنگ مکان‏های شرقی و غربی تپه سنگ چخماق با وجود شباهت برخی عناصر آن با فرهنگ جیتون ترکمنستان، باید ریشه در فلات ایران داشته باشد. همچنین به منظور تعیین تقدم و تاخر و مصالح این فرهنگ، باید بررسی‏های ما در این منطقه تداوم یابد.

در پیمایش عمومی، حدود 15 مکان باستان‏شناسی بررسی شد. فهرستی از این مکان‏ها این گزارش را کامل می‏کنند. بحث درباره پرسش‏های شکل گرفته از یافته‏های این پیمایش، شرایط جغرافیایی این مکان‏ها را باید ملاحظه کرد، اکثر این مکان‏ها همانند روستاهای امروزی در انتهای مخروط افکنه واقع بودند. نزدیکی منابع آب و گل به عنوان مصالح ساختمانی، باید این انتخاب مکان را متاثر ساخته باشد.

و نیز باید به اندازه تپه‏های خیلی کوچک، به ویژه آنها که مربوط به ماقبل تاریخ هستند، توجه داشت. به عنوان نمونه، تپه خوریان و تپه امیریه، هر دو کم ارتفاع و پست و حدود یکی دو متر ارتفاع دارند. در نتیجه باید از نگاره‏های حجاری شده از حیوانات در کیکی نزدیکی بیارجمند، 90 کیلومتری جنوب شرقی شاهرود ذکر کرد در سطح پناه‏گاههای سنگی، سه منظره هست که یکی از آنها متشکل از یک بز کوهی، یک سگ و یک شکارچی است، منظره‏ها به روش برجسته کاری معکوس یا منفی اجرا شده، یعنی هر تصویر، با ردیف‏هایی از نقطه‏ها ایجاد شده است.

فهرست مکان‏های بررسی شده در پیمایش عمومی ناحیه شاهرود 1975

1- تپه امیریه، 5 کیلومتری غرب بسطام سفالینه‏های منقوش ماقبل تاریخ

2- تپه ده خیر ، 7 کیلومتری شمال بسطام سفالینه‏های جلا داده سیاه ماقبل تاریخ و سفالینه‏های اسلامی

3- بخش شرقی بسطام خمره دوره اسلامی

4- کافر قلعه، در نزدیکی امیریه سفالینه اسلامی

5- شیخ مدین، پنج کیلومتری جنوب شاهرود سفالینه اسلامی

6- تپه خوریان ، ده کیلومتری جنوب شاهرود سفالینه‏های منقوش و سیاه ما قبل تاریخ

7- قلعه پوستی، بیست کیلومتری جنوب شاهرود سفالینه اسلامی

8- تپه مجیل آباد، ده کیلومتری شمال بسطام سفالینه اسلامی

9- تپه رسیو، نزدیک حسین آباد، شرق شاهرود سفالینه‏های جلا داده سیاه ما قبل تاریخ

10- تپه قلعه گبری، نزدیک حسین آباد سفالینه اسلامی

11- تپه جاجرم سفالینه اسلامی

12- تپه حیدران، دو کیلومتری جنوب شرقی جاجرم سفالینه سیاه و جلا داده خاکستری ماقبل تاریخ

13- تپه پهلوان، چهار کیلومتری جنوب شرقی جاجرم سفالینه منقوش ماقبل تاریخ و سفالینه اسلامی

14- تپه قلعه، پنج کیلومتری جنوب خسرو سفال اسلامی

15- تپه سارستان، نزدیک حاجی آباد، شرق شاه آباد سفال اسلامی

16- کاروان سرای میاندشت سفال اسلامی

17- نگاره‏های حجاری شده کیکی نزدیک بیارجمند تاریخ نامعلوم

پی‏نوشت‏ها:

1-فن و هنر سفالگری، فائق توحیدی، ص48. انتشارات سمت، چاپ اول، بهار1379.

2- مروری بر پنجاه سال باستان‏شناسی ایران، دکتر عزت‏الله نگهبان، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، 1376، ص374.

3-باستان‏شناسی و هنر ایران، به کوشش عباس علیزاده و...، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، 1378، ص9

4- پیشین...، دکتر عزت‏الله نگهبان،ص373.

5- تصویر 1و2و3، ازکتاب فن و هنر سفالگری، ص65.

6- مجله فرهنگ قومس، سال چهارم شماره16، انتشارات ارشاد اسلامی سمنان، ص150.

7-فرهنگ مردم شاهرود، ج اول، علی اصغر شریعت‏زاده، ص19.